یادداشت

بازآرایی غرب در پی نشست گروه ۲۰

محسن شریف‌خدائی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

نشست وزرای اقتصادی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه ۲۰ در شهر اَشویل در ایالت کارولینای شمالی آمریکا، در روزهای ۳۱ آگوست و اول سپتامبر ۲۰۲۶ برگزار شد؛ نشستی که به‌جای آنکه به یک بیانیه رسمی و اجماع نهایی منتهی شود، به صحنه‌ای برای آشکارشدن اختلافات راهبردی میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. آمریکا تلاش داشت مواضع تحریمی خود علیه ایران را در متن نهایی بگنجاند، اما مخالفت چین مانع از دستیابی به اجماع شد و نشست بدون بیانیه رسمی پایان یافت. این ناکامی، وزن دیپلماتیک واشینگتن را کاهش داد و زمینه‌ای فراهم کرد تا غرب در روزهای پس از نشست، آرایش تازه‌ای در قبال ایران اتخاذ کند؛ آرایشی که هدف آن ترمیم شکاف ایجادشده و بازسازی انسجام غربی در برابر ایران بود.

در همین چارچوب، اتحادیه اروپا که طی سال‌های اخیر، به‌ویژه در دوران حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، کوشیده بود میان فشارهای آمریکا و حفظ مسیرهای دیپلماتیک با تهران تا حدی تعادل برقرار کند، پس از نشست اخیر گروه ۲۰، موضعی آشکارا متفاوت اتخاذ کرد. متعاقبا، اتحادیه در بیانیه رسمی خود، برای نخستین‌بار به‌طور مستقیم از افزایش فشار اقتصادی علیه ایران در قالب عملیات تحت رهبری آمریکا حمایت کرد. در متن بیانیه آمده است: «اتحادیه اروپا از تلاش‌هایی که با هدف واداشتن ایران به توقف فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده و ورود به مذاکرات صلح با حسن نیت انجام می‌شود استقبال می‌کند؛ از جمله اعمال فشار اقتصادی بیشتر، از طریق عملیات طرد اقتصادی (Operation Economic Outcast) که تحت رهبری آمریکا اجرا می‌شود».

اهمیت این موضع‌گیری در آن است که اتحادیه اروپا برای نخستین‌بار نام یک عملیات اقتصادی تحت رهبری آمریکا را به‌طور رسمی در بیانیه خود ذکر می‌کند. «عملیات طرد اقتصادی» طرحی است که هدف آن بیرون‌راندن ایران از شبکه‌های مالی، تجاری و بیمه‌ای جهانی و محدودکردن دسترسی تهران به منابع درآمدی بین‌المللی است. همراهی اروپا با این عملیات، معنایی فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی دارد و نشان‌دهنده همسویی عملی و ساختاری با رویکرد فشار اقتصادی حداکثری آمریکاست؛ رویکردی که در سال‌های اخیر با درجات مختلف دنبال شده و اکنون با پشتوانه اروپا، وزن بیشتری یافته است.

تحلیل رسانه‌های اروپایی نیز این تغییر را تأیید می‌کند. به‌گفته برخی تحلیلگران اروپایی، اتحادیه اروپا در ماه‌های اخیر از سیاست «تعادل میان فشار و دیپلماسی» فاصله گرفته و به سمت «همسویی ساختاری» با واشینگتن حرکت کرده است. ذکر نام عملیات اقتصادی تحت رهبری آمریکا، از نظر آنان، نشانه پایان دوره‌ای است که اروپا می‌کوشید تا حدی نقش میانجی میان تهران و واشینگتن را حفظ کند. اکنون اروپا ایران را نه‌فقط در چارچوب پرونده هسته‌ای، بلکه در چارچوب امنیت دریایی، جنگ اوکراین و بی‌ثباتی منطقه‌ای ارزیابی می‌کند؛ ارزیابی‌ای که به‌طور طبیعی به همسویی بیشتر با واشینگتن منجر می‌شود.

این موضع‌گیری را می‌توان تلاشی در راستای همراهی با آمریکا از سوی اروپا و جبران ناکامی واشینگتن در نشست اخیر گروه ۲۰ ارزیابی کرد.

مخالفت چین با گنجاندن بند مورد نظر آمریکا در متن نهایی نه‌تنها مانع انتشار بیانیه رسمی اجلاس شد، بلکه آمریکا را در موقعیتی قرار داد که ناچار شد بیانیه ریاست را به‌صورت یک‌جانبه منتشر کند؛ متنی که صرفا موضع میزبان را بازتاب می‌دهد و فاقد وزن سیاسی یک سند مشترک است. همین خلأ، زمینه‌ای فراهم کرد تا بروکسل، با وجود برخی اختلاف نظرها با واشینگتن، با اتخاذ موضعی هماهنگ‌تر به ترمیم این شکاف کمک و پیام تحریمی آمریکا را با پشتوانه غربی بازتولید کند.

در نقطه مقابل، رفتار چین در نشست گروه ۲۰ نشان داد این کشور حاضر نیست تحریم‌های یکجانبه آمریکا را به عنوان بخشی از اجماع جهانی مشروعیت‌بخشی کند. مخالفت پکن با گنجاندن ادبیات مورد نظر آمریکا، نه‌تنها مانع انتشار بیانیه رسمی شد، بلکه پیام روشنی به واشینگتن داد: چین در سطح چندجانبه، با ابزار دیپلماتیک، مانع تبدیل تحریم‌های یکجانبه آمریکا به هنجار بین‌المللی می‌شود. این رفتار، بخشی از رقابت ساختاری چین با آمریکا در عرصه نظم جهانی است؛ رقابتی که در آن پکن می‌کوشد از تبدیل سیاست‌های یکجانبه واشینگتن به قواعد بین‌المللی جلوگیری و نقش خود را به عنوان قدرتی مستقل و تأثیرگذار تثبیت کند.

در کنار چین، روسیه نیز طی روزهای اخیر موضعی صریح‌تر اتخاذ و اعلام کرده است حاضر نیست روابط اقتصادی خود با ایران را متوقف کند. این موضع، در برابر فشارهای غرب برای انزوای کامل اقتصادی ایران، یک ایستادگی عملی محسوب می‌شود. مسکو قطع روابط اقتصادی با تهران را در راستای منافع خود نمی‌بیند؛ بنابراین برخلاف غرب، حاضر است روابط اقتصادی خود را همچنان ادامه دهد و بخشی از فشار غرب را خنثی کند. این رفتار روسیه، در کنار موضع چین، نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی مقاومت در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا از سوی جبهه شرق است؛ مقاومتی که اگرچه در قالب‌های متفاوت بروز می‌کند، اما در مجموع مانع از تبدیل سیاست‌های تحریمی آمریکا به یک اجماع جهانی می‌شود.

با کنار هم گذاشتن این عناصر، تصویری روشن از بازآرایی غرب پس از نشست گروه ۲۰ در آمریکا به دست می‌آید. در جبهه غرب، همسویی قابل توجهی میان آمریکا، اتحادیه اروپا و بریتانیا شکل گرفته است؛ همسویی‌ای که پس از شکست آمریکا در اجلاس اخیر، اهمیت نمادین بیشتری پیدا کرده و بروکسل عملا به واشینگتن کمک کرده تا پیام تحریمی خود را با پشتوانه غربی منتشر کند.

در جبهه شرق، چین و روسیه با دو ابزار متفاوت در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا ایستاده‌اند: چین با جلوگیری از اجماع در گروه ۲۰ و روسیه با امتناع از قطع روابط اقتصادی با ایران. نتیجه این تقابل، شکل‌گیری نوعی دوگانگی ساختاری در نظم بین‌المللِ در حال گذار است؛ غرب در پی انزوای اقتصادی ایران است، در حالی که شرق حاضر نیست این انزوا را به رسمیت بشناسد.

با این همه، باید توجه داشت اختلاف پکن و مسکو با واشینگتن در موضوع تحریم‌های یکجانبه، به معنای همسویی کامل آنان با تهران در سایر حوزه‌ها از جمله امنیت دریایی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیست. این کشورها هرچند با سیاست‌های یکجانبه آمریکا مخالفت و از قطع روابط اقتصادی با ایران خودداری می‌کنند، اما در برابر هر اقدامی که امنیت کشتیرانی بین‌المللی را تهدید کند، موضعی مستقل و مبتنی بر منافع گسترده اقتصادی و ژئوپلیتیک خود اتخاذ می‌کنند. از این منظر، ایستادگی آنان در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا به معنای همراهی کامل با رفتار ایران در سایر حوزه‌ها از جمله آزادی کشتیرانی در آبراه تنگه هرمز نیست، بلکه بخشی از رقابت ساختاری آنان با ایالات متحده و تلاشی برای حفظ توازن در نظم بین‌المللِ در حال گذار ارزیابی می‌شود.

گزارش «شرق» از دور تازه درگیری‌های دریایی ایران و آمریکا به موازات معادلات جبهه یمن و لبنان

جنگ نفتکش‌ها

عبدالرحمن فتح‌الهی: در پی تشدید درگیری‌های دریایی میان ایران و آمریکا از شامگاه سه‌شنبه ۱۷ شهریور تا عصر دیروز چهارشنبه، دو طرف از حملات متقابل به نفتکش‌ها، شناورهای نظامی و مواضع یکدیگر در منطقه خبر دادند. این تحولات، هم‌زمان با افزایش تحرکات نظامی در اطراف تنگه هرمز و حملات موشکی ایران به مواضع آمریکا در اردن، بار دیگر وضعیت امنیت کشتیرانی در منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. اواخر سه‌شنبه‌شب، گزارش‌هایی درباره هدف قرارگرفتن نفتکش‌های ایرانی منتشر شد. سنتکام مدعی شد پس از آنکه نیروهای سپاه طی دو روز گذشته در دو نوبت یک کشتی جنگی آمریکا را با موشک هدف قرار داده‌اند، ارتش این کشور پنج نفتکش حامل نفت خام ایران را منهدم کرده است. هم‌زمان، خبرگزاری تسنیم از هدف قرارگرفتن یک نفتکش کوچک ایرانی در فاصله چهار مایلی جزیره خارگ خبر داد. همچنین خبرنگار صداوسیما در ساحل جاسک از حمله به یک نفتکش ایرانی در نزدیکی ساحل یکبنی خبر داد و اعلام کرد کارکنان این نفتکش در همان دقایق اولیه تخلیه شده‌اند.

در واکنش، سپاه پاسداران در چند اطلاعیه از انجام عملیات علیه مواضع و شناورهای آمریکایی خبر داد. در اطلاعیه شماره ۱۳، سپاه اعلام کرد نیروی هوافضای این نهاد در عملیاتی با رمز «یا حیدر کرار»، پایگاه آمریکایی الازرق در اردن را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داده و آشیانه‌های تعمیر و نگهداری، آماده‌سازی و محل استقرار جنگنده‌های F-16، F-35 و F-15 و شلترهای جنگنده‌ها را مورد اصابت قرار داده است.براساس اطلاعیه سپاه در این حمله خسارات سنگینی به نیروهای آمریکایی وارد شده است. سپاه در اطلاعیه شماره ۱۴ نیز اعلام کرد دو ناوشکن آمریکایی DDG-119 و DDG-53، مجهز به موشک‌های کروز و سامانه ایجیس، هدف حمله موشکی قرار گرفته‌اند و به آنها خسارات قابل توجهی وارد شده است. نیروی دریایی سپاه نیز در اطلاعیه شماره ۱۵ اعلام کرد در پاسخ به حمله آمریکا به پنج نفتکش ایرانی، دو شناور آمریکایی و هشت نفتکش را در منطقه هدف قرار داده و همچنین ۱۰ کشتی را که به گفته سپاه قصد عبور از منطقه ممنوعه و ناایمن تنگه هرمز را داشتند، هدف قرار داده است. سپاه تأکید کرده است تنگه هرمز تحت رصد و مدیریت این نیرو قرار دارد. هم‌زمان، برخی منابع خبری از شلیک دست‌کم ۳۰ موشک بالستیک ایران به سمت پایگاه‌های آمریکا در اردن خبر دادند. ارتش اردن اما مدعی شد ۲۰ موشک از ایران شلیک شده که ۱۸ فروند آن رهگیری و دو موشک دیگر در مناطق باز فرود آمده‌اند.

در سوی دیگر، مقام‌های آمریکایی اعلام کردند حملات به نفتکش‌های ایرانی در واکنش به ازسرگیری حملات ایران علیه شناورهای نیروی دریایی آمریکا انجام شده است. یک مقام آمریکایی همچنین از مفقودشدن یک پهپاد زیرسطحی در نزدیکی تنگه هرمز خبر داد و گفت این پهپاد به دلیل نقص فنی از دست رفته است. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، نیز تهدید کرد حملات علیه نفتکش‌های ایرانی ادامه خواهد داشت و مدعی شد هر بار ایران به کشتی‌های جنگی آمریکا حمله کند یا برای این کار تلاش کند، یک نفتکش ایرانی هدف قرار خواهد گرفت. در همین حال، داده‌های شرکت کپلر نشان داد روز سه‌شنبه فقط شش کشتی حامل کالا از تنگه هرمز عبور کرده‌اند؛ رقمی که نسبت به میانگین روزهای گذشته کاهش تردد در این آبراه را نشان می‌دهد. سازمان تجارت دریایی بریتانیا نیز از هدف قرارگرفتن چندین کشتی در شمال خلیج فارس و دریای عمان و اختلال و توقف فعالیت آنها خبر داد، هرچند وقوع تلفات جانی یا خسارت زیست‌محیطی را تأیید نکرد. عصر روز چهارشنبه نیز العربیه به نقل از یک منبع امنیتی عراقی گزارش کرد یک نفتکش در بندر العَمّیه هدف حمله یک پهپاد قرار گرفت. الجزیره هم خبر داد نفتکش هدف قرارگرفته حامل دو میلیون بشکه نفت عراق بوده و در منطقه بارگیری قرار داشته است. سازمان تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) نیز ظهر چهارشنبه ۱۸ شهریورماه از وقوع حادثه برای یک نفتکش در ۲۸مایلی دریایی جنوب شرقی بندر فاو عراق خبر داد. بر اساس این گزارش، ناخدای یک نفتکش اعلام کرده است شناور او هدف یک پرتابه ناشناس قرار گرفته و برخورد پرتابه با نفتکش را گزارش کرده است. تمامی خدمه در سلامت هستند و تاکنون گزارشی از پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از این حادثه منتشر نشده است. UKMTO همچنین در گزارشی جداگانه از وقوع حادثه برای یک نفتکش در فاصله ۲۴مایلی بندر راشد امارات متحده عربی خبر داد. بر اساس این گزارش، ناخدای یک نفتکش، شناوری را در حالت لنگراندازی مشاهده کرده که دچار کجی شده بود؛ وضعیتی که احتمال ورود آب به داخل آن پس از اصابت یک پرتابه ناشناس را مطرح می‌کند. در همین حال سپاه دیروز چهارشنبه از ایجاد یک «منطقه ممنوعه» جدید در آب‌های خارج از تنگه هرمز خبر داد که به گفته این نهاد نظامی، از حوالی چابهار آغاز می‌شود و بخش‌هایی از دریای عمان و دریای عرب را دربر می‌گیرد. سپاه اعلام کرده است مختصات دقیق این منطقه در آینده منتشر خواهد شد. حسین محبی، سخنگوی سپاه، در گفت‌وگویی، با تشریح محدوده این منطقه گفت: «این منطقه تقریبا از سمت چابهار شروع می‌شود و بخشی از دریای عمان و بخش دیگری از دریای عرب را پوشش می‌دهد». محبی همچنین هشدار داد: «هر کشتی که بدون هماهنگی وارد این محدوده شود، با اقدامات تنبیهی ایران مواجه خواهد شد». او تأکید کرد: «اگر کشتی‌ای بدون هماهنگی وارد آن منطقه شود، مشمول تحریم‌های ما خواهد شد». به این ترتیب، منطقه ممنوعه جدید ایران فقط به آب‌های پیرامون تنگه هرمز محدود نمی‌شود و دامنه آن بخش‌هایی از آب‌های جنوب‌شرقی ایران و مسیرهای دریایی مجاور را نیز شامل خواهد شد.

تلاش برای پایان جنگ و بازگشت به میز مذاکره

هم‌زمان با افزایش تنش‌ها، قطر بر ضرورت توقف اقدامات نظامی و بازگشت ایران و آمریکا به مسیر مذاکرات تأکید کرد و خواستار پایبندی دو طرف به دستاوردهای حاصل‌شده و جلوگیری از گسترش دامنه تنش در منطقه شد. همچنین خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، اعلام کرد تلاش‌های اسلام‌آباد برای میانجیگری میان ایران و آمریکا و فراهم‌کردن زمینه کاهش تنش‌ها همچنان ادامه دارد. به گفته او، تماس‌هایی میان دو طرف برقرار است، اما این ارتباطات به‌صورت غیرمستقیم انجام می‌شود. آصف تأکید کرد پاکستان در تلاش است محیطی مناسب برای حرکت به سمت صلح و ثبات منطقه‌ای ایجاد کند. او همچنین مدعی شد اسرائیل خواهان تداوم درگیری میان ایران و آمریکاست. وزیر دفاع پاکستان با ابراز اطمینان نسبت به برقراری صلح در منطقه گفت اسرائیل در نهایت «مجبور خواهد شد هزینه آن را بپردازد». البته مسعود پزشکیان با تأکید بر مخالفت ایران با جنگ، اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز، مقاومت را تا پشیمانی کامل متجاوزان با قوت ادامه خواهد داد. رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ادعاهای اخیر دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «جمهوری اسلامی ایران همواره با جنگ مخالف بوده و حفظ منافع مردم و امنیت منطقه را در پرهیز از آتش‌افروزی دانسته است. اما چنان که تا امروز در برابر تجاوز، دلیرانه به دفاع برخاسته است این مقاومت را تا پشیمانی کامل متجاوزان با قوت ادامه خواهد داد و پاسدار حقوق ملت بزرگ ایران خواهد بود». گفتنی است سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه، ظهر چهارشنبه در نشست با مدیران رسانه‌های استان مرکزی بازگشت ثبات به منطقه را مشروط به مجموعه‌ای از اقدامات دانست؛ از جمله توقف جنگ، خودداری از تهدید دوباره ایران، عقب‌نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از لبنان، پایان محاصره یمن و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران. او همچنین تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران درباره توان موشکی و برنامه هسته‌ای خود، اجازه دخالت یا اعمال فشار از سوی کشورهای خارجی را نخواهد داد و این موضوعات را از حوزه‌های تصمیم‌گیری مستقل ایران دانست.

تحریم آمریکا علیه همه شرکت‌های هواپیمایی

به دنبال معادلات میدانی، وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه ۸ سپتامبر ۲۰۲۶ از اعمال دور تازه‌ای از تحریم‌ها علیه صنعت هوانوردی ایران خبر داد و ۳۶ فرد و نهاد، از جمله ۲۷ شرکت هواپیمایی ایرانی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. شرکت‌ها و واسطه‌هایی در ترکیه، امارات، مالزی و قزاقستان نیز به اتهام همکاری با شبکه هوانوردی ایران هدف قرار گرفته‌اند. واشینگتن مدعی است این شبکه‌ها برای انتقال سلاح و نیرو و همچنین تأمین هواپیما، قطعات و فناوری‌های حساس فعالیت می‌کنند. در این میان، شرکت‌هایی مانند آسمان، کیش‌ایر، قشم‌ایر، کارون، سپهران، تابان، وارش، زاگرس و ماهان با فشارهای بیشتری مواجه شده‌اند. آمریکا همچنین سه مجوز مرتبط با هوانوردی ایران را تعلیق کرده است. این تحریم‌ها می‌تواند دسترسی ایرلاین‌های ایرانی به قطعات، خدمات فنی، تأمین‌کنندگان خارجی و خدمات مالی را دشوارتر کند و بر پروازهای بین‌المللی، تجارت و ایمنی ناوگان اثر بگذارد. واشینگتن این اقدام را بخشی از سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ برای محدودکردن منابع اقتصادی ایران می‌داند. انجمن شرکت‌های هواپیمایی ایران در واکنش به تحریم‌های جدید آمریکا علیه شرکت‌های هواپیمایی کشور، نسبت به تداوم و تشدید محدودیت‌ها علیه صنعت هوانوردی غیرنظامی اعتراض کرد و درباره پیامدهای آن بر ایمنی و استمرار خدمات حمل‌ونقل هوایی هشدار داد. این انجمن در بیانیه خود تأکید کرد هوانوردی غیرنظامی، فراتر از اختلافات سیاسی و اقتصادی، بخشی از زیرساخت حیاتی زندگی مردم و یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط میان ملت‌هاست. به گفته انجمن، میلیون‌ها مسافر برای سفر، درمان، تحصیل، تجارت و دیدار خانواده‌ها به شبکه حمل‌ونقل هوایی وابسته‌اند. انجمن شرکت‌های هواپیمایی هشدار داد هدف قراردادن شرکت‌های هواپیمایی و زنجیره تأمین این صنعت، صرفا فشار بر یک مجموعه اقتصادی نیست و می‌تواند مستقیما بر دسترسی مردم به حمل‌ونقل هوایی، استمرار خدمات و الزامات ایمنی پرواز اثر بگذارد. در این بیانیه همچنین با استناد به اصول کنوانسیون شیکاگو، بر ضرورت توسعه ایمن و منظم هوانوردی غیرنظامی تأکید شده و محدودیت دسترسی به قطعات، تجهیزات و خدمات فنی، عاملی مؤثر بر ایمنی پرواز عنوان شده است. انجمن در پایان از ICAO، IATA و جامعه جهانی هوانوردی خواست آثار انسانی، فنی و ایمنی تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایرلاین‌های ایرانی را مورد توجه قرار دهند و تأکید کرد ایمنی پرواز و حق مردم برای دسترسی به حمل‌ونقل هوایی نباید به ابزار فشار سیاسی تبدیل شود.

درخواست آمریکا و اروپا از ایران برای مذاکره بدون پیش‌شرط

در میانه دور تازه تنش‌ها و تحریم ها، آسوشیتدپرس هم گزارش داد آمریکا و کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان رسما قطع‌نامه خود علیه ایران را اواخر بعدازظهر روز سه‌شنبه به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کردند. در همین راستا نیز شبکه الجزیره مدعی شده است در پیش‌نویس قطع‌نامه مشترک آمریکا و کشورهای اروپایی درباره پرونده هسته‌ای ایران، از تهران خواسته شده است بدون پیش‌شرط وارد مذاکراتی با هدف ایجاد اعتماد در جامعه بین‌المللی شود. بر اساس متن پیش‌نویس قطع‌نامه که به ادعای الجزیره در اختیار این شبکه قرار گرفته، آمریکا و کشورهای اروپایی ضمن ابراز «نگرانی عمیق» نسبت به وضعیت تعهدات هسته‌ای ایران، مدعی شده‌اند تهران همچنان به تعهدات خود درباره پرونده هسته‌ای پایبند نیست. در این متن، نبود اطلاعات درباره مواد هسته‌ای ایران و عدم دسترسی به برخی تأسیسات هسته‌ای کشور، دو موضوعی عنوان شده که به گفته تهیه‌کنندگان پیش‌نویس، نیازمند رسیدگی فوری است. پیش‌نویس مذکور همچنین از ایران می‌خواهد در سریع‌ترین زمان ممکن، آنچه را «عدم پایبندی به توافق پادمان‌ها» خوانده شده، برطرف کند. بر اساس این گزارش، آمریکا و کشورهای اروپایی در ادامه از تهران خواسته‌اند به‌صورت جدی و «بدون پیش‌شرط» وارد مذاکرات شود؛ مذاکراتی که هدف آن، ایجاد اعتماد در جامعه بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای ایران عنوان شده است. در این پیش‌نویس همچنین بر حمایت از دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک برای حل‌وفصل چالش‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران تأکید شده است.

هشدار برای تداوم جنگ

با توجه به مجموعه اخبار و گزارشات، آنچه امروز در مناسبات ایران و آمریکا در جریان است به تقابلی چندلایه تبدیل شده که هم‌زمان عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، دریایی و منطقه‌ای را دربرگرفته است. تحریم‌های تازه، تلاش برای فعال‌کردن مسیر شورای امنیت، تحولات خلیج فارس و تنگه هرمز و حوادث مرتبط با نفتکش‌ها، در کنار وضعیت لبنان و یمن، نشان می‌دهد میدان فشار به‌تدریج گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. در چنین وضعیتی، مهم‌ترین مسئله نه صرفا شمار دستاوردها، بلکه نسبت میان «دستاورد» و «هزینه» است. قدرت ملی زمانی به سرمایه راهبردی تبدیل می‌شود که بتواند از فرسایش منابع، افزایش فشار اقتصادی و گسترش دامنه منازعه جلوگیری کند. استمرار تقابل، اگر بدون ارزیابی مستمر هزینه‌ها و پیامدهای آن باشد، ممکن است به‌تدریج از یک ابزار بازدارندگی به عاملی برای فرسایش ظرفیت‌های کشور تبدیل شود.

در شرایطی که فشار خارجی هم‌زمان در چند جبهه افزایش یافته، عقلانیت راهبردی اقتضا می‌کند هر تصمیم با سنجش دقیق هزینه، فایده و پیامدهای آن اتخاذ شود؛ زیرا امنیت پایدار در کنار پیروزی در میدان با حفظ توان ملی برای عبور از بحران نیز معنا پیدا می‌کند.

محمدصالح صدقیان: باید به دیپلماسی فرصت بدهیم

در تحلیل هزینه و تبعات تداوم تنش چند لایه تهران-واشینگتن، محمدصالح صدقیان در گفت‌وگو با «شرق»، فشارهای چندضلعی ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش را «سناریویی خطرناک» توصیف می‌کند که به اعتقاد او: «هنوز پایان روشنی برای آن متصور نیست و هرچه بیشتر ادامه یابد، هزینه‌های آن برای ایران افزایش خواهد یافت». رئیس مرکز عربی مطالعات ایران اذعان دارد: «تهران و واشینگتن در شرایط کنونی بیش از آنکه به دنبال پایان سریع بحران باشند، در حال بازی با زمان و تلاش برای افزایش هزینه‌های طرف مقابل هستند. لذا آمریکا همه اضلاع فشار علیه ایران را فعال کرده است. از فعال‌شدن جبهه یمن و جنوب لبنان تا تشدید تحریم و محاصره دریایی، ادامه حمله نظامی، اوج‌گیری فشار اقتصادی، ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و دیگر موضوعات مربوطه». لذا از نگاه کارشناس ارشد جهان عرب: «مسئله مهم کنونی برای ایران آن است که برخی معادلات منطقه‌ای تغییر کرده و کشور ناچار است هزینه بیشتری برای محورهایی بپردازد که زمانی بخشی از آنها در راستای منافع و امنیت ایران عمل می‌کردند». با چنین برداشتی، او هشدار می‌دهد: «ادامه وضعیت کنونی بدون بازنگری در سیاست‌ها می‌تواند بار راهبردی سنگینی بر کشور تحمیل کند».

مفسر ارشد تحولات غرب آسیا «نسبت به هرگونه رویکرد انتقام‌جویانه علیه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس هشدار جدی می‌دهد» و تأکید می‌کند: «این کشورها، فارغ از ارزیابی سیاسی عملکردشان، دارای روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و امنیتی با قدرت‌های مختلف جهان هستند و برخورد نظامی با آنها می‌تواند پیامدهایی بسیار فراتر از یک تقابل محدود داشته باشد. به باور او، ایران ممکن است از نظر نظامی توان بالقوه آسیب‌زدن به برخی اهداف را داشته باشد، اما میان «توان بالقوه» و «تصمیم عقلانی برای استفاده از آن» تفاوتی اساسی وجود دارد». صدقیان با اشاره به تحولات این روزهای یمن به موازات معادلات جنوب لبنان نیز وضعیت این دو جبهه را «بسیار خطرناک» ارزیابی می‌کند و متذکر می‌شود: «در صورت پیچیده‌ترشدن شرایط و ورود بازیگران جدید، احتمال شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای تازه افزایش می‌یابد». از نظر او: «روابط عربستان با ترکیه و پاکستان را نباید صرفا در چارچوب مناسبات دوجانبه این کشورها دید؛ زیرا ترکیه عضو ناتوست و پاکستان نیز از ظرفیت‌های مهم نظامی برخوردار است. بنابراین، هرگونه تغییر در مناسبات منطقه‌ای می‌تواند در آینده معادلات امنیتی جدیدی ایجاد کند که کنترل آن برای همه بازیگران آسان نباشد». در نگاه رئیس مرکز عربی مطالعات ایران: «حمله یا تهدید تأسیسات حیاتی کشورهای منطقه، به‌ویژه مراکزی که نقش بین‌المللی در اقتصاد انرژی دارند، می‌تواند دامنه بحران را به‌مراتب گسترده‌تر کند». او بر همین اساس خاطرنشان می‌کند: «تهران نباید منافع بلندمدت خود را قربانی شعارهای احساسی و تصمیم‌های مقطعی کند». از دید صدقیان: «جنگی که ایران با آن مواجه است، صرفا یک درگیری محدود نظامی نیست، بلکه به تعبیر او «جنگی برای موجودیت» است و دقیقا به همین دلیل، باید با واقع‌بینی بیشتری درباره گزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک آن اندیشید». بخش دیگری از نگرانی‌های صدقیان به تحریم‌های گسترده و فشار بر صنعت هوایی ایران مربوط است. او این محدودیت‌ها را صرفا تحریم اقتصادی نمی‌داند و معتقد است: «واشینگتن در حال اعمال فشارهایی چندلایه برای محدودکردن ظرفیت‌های کشور است». با این حال، تصریح می‌کند: «هدفش ایجاد نگرانی در جامعه نیست، بلکه باید واقعیت‌های موجود را بدون تعارف دید و برای آنها راه‌حل سیاسی پیدا کرد».

راه‌حل مورد نظر صدقیان، «درنهایت، بازگشت جدی‌تر به دیپلماسی است» و یادآور می‌شود: «دستگاه دیپلماسی ایران ظرفیت و توان مذاکره دارد، اما برای اثرگذاری بیشتر باید فضای لازم برای فعالیت آن فراهم شود». به باور تحلیلگر ارشد جهان عرب: «تهران باید با کشورهای منطقه، از قطر و عمان تا پاکستان و دیگر همسایگان، مسیر گفت‌وگو را فعال نگه دارد و اجازه ندهد اختلافات و فشارهای جاری، این روابط را به نقطه‌ای برگشت‌ناپذیر برساند». صدقیان در پایان هشدار می‌دهد: «سیاست خارجی در شرایط بحرانی بیش از هر زمان دیگری به محاسبه نیاز دارد». از نظر او: «پاسخ به حمله آمریکا با هدف قراردادن کشورهای منطقه، نه‌تنها الزاما دستاوردی برای ایران ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را شکل دهد که خروج از آن دشوار باشد؛ بنابراین در شرایط کنونی، فرصت‌دادن به دیپلماسی نه نشانه عقب‌نشینی، بلکه تلاشی برای جلوگیری از گسترش جنگ و حفظ ظرفیت‌های ملی برای آینده است».

سیدجلال ساداتیان: مهم، نحوه تبدیل دستاوردهای نظامی به دستاوردهای سیاسی است

سیدجلال ساداتیان هم به عنوان دیگر کارشناس، ذیل گفت‌وگو با «شرق» و از یک منظر کلی اعتقاد دارد: «آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، نحوه تبدیل دستاوردهای نظامی به دستاوردهای سیاسی و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر به کشور است»؛ مسئله‌ای که به باور او: «تجربه جنگ هشت‌ساله نیز اهمیت آن را به‌روشنی نشان داده است». پیرو ارجاع به تجربه جنگ تحمیلی عراق، سفیر اسبق ایران در انگلستان تأکید می‌کند: «یکی از مهم‌ترین درس‌های آن دوران، ضرورت تشخیص زمان مناسب برای پایان جنگ است». به گفته این مدرس دانشگاه: «زمانی که موازنه در جنگ تغییر کرده بود و حتی برخی کشورهای عربی آمادگی پرداخت خسارت و کمک به پایان منازعه را داشتند، در داخل کشور دیدگاه‌هایی بر ادامه جنگ و پیشروی تا بغداد و سرنگونی صدام اصرار داشتند. نتیجه این تصمیم، طولانی‌ترشدن جنگ و تحمیل هزینه‌های سنگین‌تر انسانی و مادی بود؛ هزینه‌هایی که درنهایت حتی با وجود دستاوردهای نظامی، امکان نادیده‌گرفتن آنها وجود نداشت و در نهایت سبب شد امام راحل در بدترین مقطع جنگ با نوشیدن جام زهر، عملا قطع‌نامه پایان جنگ را بپذیرد». با چنین قرائتی است که ساداتیان اذعان دارد: «تجربه آن دوران را نمی‌توان از شرایط امروز جدا کرد». در نگاه این مفسر حوزه سیاست خارجی: «شجاعت و فداکاری نیروهای مسلح و حمایت بی‌دریغ مردم از کشور در دوران جنگ تحمیلی ۱۲روزه و بالاخص جنگ تحمیلی ۴۰روزه و بعد از آن یک واقعیتی انکارناپذیر است و نیروهای نظامی ایران نیز در عرصه‌های مختلف موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند که در تاریخ کشور ثبت خواهد شد». اما به تعبیر دیپلمات پیشین کشورمان: «این دستاوردها زمانی می‌توانند به تأمین منافع ملی منجر شوند که در کنار آنها، دیپلماسی نیز فعال باشد و بتواند از ظرفیت‌های ایجادشده در میدان برای کاهش هزینه‌ها و تثبیت موقعیت ایران استفاده کند». از همین منظر، ساداتیان تفاهم ایران و آمریکا را نیز بخشی از همین معادله می‌داند و بر این باور است: «این تفاهم در چارچوب تصمیمات و هماهنگی‌های صورت‌گرفته در سطوح عالی کشور شکل گرفت و قرار بود بندهای آن اجرایی شود». به تعبیر او: «بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی نیز این تفاهم را حاوی امتیازهایی برای ایران می‌دانستند و معتقد بودند می‌تواند بخشی از فشارهای موجود را مدیریت کند». با این حال، تحلیلگر حوزه بین‌الملل، ذیل یک نگاه آسیب‌شناسانه درباره تداوم جنگ با آمریکا و تبعات بعدی آن، یادآور می‌شود: «فضای داخلی با نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های تفاهم با آمریکا به‌تدریج به سمتی رفت که به‌جای پایان جنگ در یک نقطه مناسب با دست برتر تهران، مذاکره‌کنندگان هدف حملات سیاسی قرار گرفتند». ساداتیان معتقد است: «حتی اگر منتقدان نسبت به مفاد تفاهم ایراد یا تفسیر متفاوتی داشتند، راه‌حل می‌توانست گفت‌وگو و اصلاح باشد، نه اقداماتی که به تشدید تنش منجر شود و این شرایط را در یمن، جنوب لبنان و تنگه هرمز و خلیج فارس ایجاد کند». در همین حال، ساداتیان که به جبهه یمن و لبنان اشاره کرده، این را هم متذکر می‌شود: «با تداوم جنگ ایران و آمریکا، عملا راهبرد فشار واشینگتن و تل‌آویو دیگر در یک جبهه متمرکز نیست و تحولات جنوب لبنان و فشار بر حزب‌الله، وضعیت یمن و تلاش برای ایجاد محدودیت بیشتر بر نیروهای مقاومت در عراق، در کنار فشارهای دریایی و اقتصادی، مجموعه‌ای از اقدامات به‌هم‌پیوسته را شکل داده‌اند و اینها علاوه بر تحریم همه شرکت